

Designing a Model of early Childhood Education with an islamic Approach based on Multidisciplinary Theory

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Masoumeh Moghimi Firozabad^{1*}

How to cite this article

Masoumeh Moghimi Firozabad, Designing a Model of early Childhood Education with an islamic Approach based on Multidisciplinary Theory, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2019;3(4):165-175.

1. Assistant Professor, Educational Sciences Department, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mmoghimi110@gmail.com

Article History

Received: 2019/08/03

Accepted: 2019/10/09

ABSTRACT

Purpose: Considering the necessity of education in this period, the purpose of this research is to deal with the category of early childhood education with an Islamic approach.

Materials and Methods: Based on this, the main question of this research is: What is the model of early childhood education with an Islamic approach?

Designing a model and forming a theory with a multi-field theory approach - a combined method of induction and analogy - and using a semi-structured interview tool and after going through the steps of theoretical adaptation to adapt the developed theory to related existing theories (qiyas), experimental validation and Internal consistency check was achieved. The participants in this research include executive and scientific experts in the field of education, and snowball (targeted) sampling was used.

Findings: The findings of the research indicate that the process of early childhood education with an Islamic approach, considering the role of the family, teacher and peers as effective conditions and factors, and through the implementation of education strategies based on nature, modification of the conditions and methods of foundation It has the ability to create, respect and methods of expressing ability and neglect, reminders and methods of learning the Lord's love and teaching, love and methods of encouragement and punishment, and with game interactions and telling stories that are not slogans.

Conclusion: The need for education in humans is a natural issue, and we need education to actualize the potential nature of people. In the stages of growth and education, the first seven years of life are considered among the most important and decisive stages of human life and require special attention.

Keywords: Education, Early Childhood, Islamic Approach, Multi-Field Approach

معصومه مقیمی فیروزآباد*

استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: نظر به ضرورت تربیت در این دوره، هدف این پژوهش پرداختن به مقوله تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی می باشد. **مواد و روش ها:** بر این اساس سوال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: مدل تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی چیست؟ طراحی مدل و تشکیل نظریه با رویکرد نظریه چندزمینه ای - روش ترکیبی استقرا و قیاس - و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته و پس از طی مراحل انطباق نظری برای تطبیق نظریه تدوین شده با نظریه های موجود مرتبط (قیاس)، اعتبار سنجی تجربی و بررسی انسجام درونی، حاصل شد. مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل خبرگان اجرایی و علمی حوزه تعلیم و تربیت می باشد و از نمونه گیری گلوله برفی (هدفمند) استفاده شده است.

یافته ها: یافته های پژوهش حاکی از آن است که فرایند تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی با توجه به نقش خانواده، مربی و همسالان به عنوان شرایط و عوامل موثر و از طریق اجرای راهبردهای تربیت برمبنای فطرت، اصلاح شرایط و روشهای زمینه سازی و اسوه سازی، عزت و روشهای ابراز توانایی و تغافل، تذکر و روشهای تحصیل محبت پروردگار و عبرت آموزی، محبت و روش تشویق و تنبیه و با تعاملات بازی و بیان داستان های غیر شعاری قابلیت تحقق را دارد.

نتیجه گیری: نیاز به تربیت در انسانها موضوعی طبیعی است و برای به فعل درآوردن سرشت بالقوه افراد به بالفعل نیاز به تربیت هستیم. در مراحل رشد و تربیت، هفت سال نخست زندگی از جمله مهمترین و سرنوشت سازترین مراحل زندگی انسان محسوب می شود و نیازمند توجه ویژه می باشد.

واژگان کلیدی: تربیت، اوان کودکی، رویکرد اسلامی، رویکرد چندزمینه ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

*نویسنده مسئول: mmoghimi110@gmail.com

مقدمه

مسئله تربیت بزرگترین مسئولیت ما در این قرن است و شدیدترین نیاز جامعه بشری، نیاز تربیتی است زیرا صنعت و تکنیک پیشرفته در جامعه ای که فقر تربیتی دارد جز به انهدام و نابودی آنان کمک نمی کند. برای انحطاط و انهدام جمعی، لازم نیست که آنها فاقد صنعت و تکنیک باشند بلکه کافی است که با صنعت پیشرفته از بار تربیتی خالی شوند (۱). در مراحل رشد و تربیت، هفت سال نخست زندگی از جمله مهمترین و سرنوشت سازترین مراحل زندگی انسان محسوب می شود. بسیاری از ویژگی های روحی و شخصیتی انسان در این دوره پی ریزی شده و سنگ بنای شکل گیری شاکله شخصیتی فرد را در ادوار دیگر مهیا می سازد. کودک در این دوران، آمادگی بیشتری برای تربیت شدن دارد. بدین سبب کودکی دوران بسیار مهم و حساسی است و باید اولیا و مربیان از این زمینه آماده، بهترین بهره ها را ببرند در غیر اینصورت زیان های جبران ناپذیری پدید می آید.

در حوزه عصب شناسی یادگیری، سال های آغازین زندگی به خصوص سه سال اول، در رشد، یادگیری و تحول همه جانبه کودکان، دوره بسیار با اهمیتی است. آموزش و پرورش پیش از دبستان می تواند یادگیری و تحول کودکان را بهبود بخشد. بیشترین میزان یادگیری کودکان در دوران پیش از دبستان اتفاق می افتد (۲). سرمایه گذاری بیشتر برای آموزش بهتر و برنامه های کیفی به علت کسب موفقیت های بیشتر در سالهای تحصیلی بعد از گذراندن دوره پیش از دبستان است (۳).

با توجه به اهمیت و تاثیرات مثبت، عمیق و بلند مدت تعلیم و تربیت اوان کودکی در بالندگی و تحول کودکان، این دوره بایستی مورد توجه شایسته قرار بگیرد. عدم توجه به مقتضیات روانشناختی و رشدی کودکان، رعایت نکردن سلسله مراتب توجه به ارزش ها مطابق با معیارهای دینی در اهداف، ابهام مفهومی در بسیاری از واژگان به کار رفته در اهداف و همپوشانی بین اهداف از مهم ترین نکاتی است که در تنظیم اهداف دوره پیش دبستانی در سند برنامه درسی ملی مغفول واقع شده است (۴).

نظر به ضرورت و اهمیت تربیت اوان کودکی (بدو تولد تا شش سال تمام)، به منظور ساماندهی امور مرتبط با تعلیم و تربیت دوره کودکی و به استناد سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش و در ذیل راهبرد کلان ششم نقشه جامع علمی کشور و راهبرد کلان پنجم نقشه مهندسی فرهنگی، "اساسنامه سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک" در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۷ به تصویب رسیده است.

این پژوهش با هدف طراحی الگوی تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی و در راستای اصل سوم اساسنامه "مبتنی بودن تعلیم و تربیت دوره کودکی بر یافته های علمی پژوهشی و آموزه های تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیمات قرآنی" به طراحی مدل با رویکرد چندزمینه ای می پردازد و قصد دارد به این سوال پاسخ گوید که مدل تربیت اوان کودکی براساس رویکرد اسلامی کدام اند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

ضرورت این پژوهش را از دو منظر می توان بررسی نمود: اهمیت موضوع و اهمیت رویکرد. اساسا تدوین برنامه های تربیتی

مخصوص دوره اوان کودکی مبتنی بر عناصری چون اهداف، اصول و روشها نیازمند مطالعات مستقل، نظام مند و کاربردی پیرامون موضوع می باشد. از منظر رویکرد هم می توان گفت مسائل تربیتی باید اصولی پایدار و محکم داشته باشند. اگر مسائل از ریشه های ثابت تغذیه نشوند، نظریات متعدد و متکثری در عرض هم پیش می آیند و گویای این است که پایه های طرح، بر یک جهان بینی که ویژگی آن ثبات است، برنامه ریزی نشده است. انسان موجودی است که با همه هستی در ارتباط است و برای تغییر، نظرگاه وسیع و جهان بینی واقعی لازم دارد. حیات دنیا برای جولان فکری و رشد انسان کافی نیست. بنابراین تحولی که زیربنای آن انسان شناسی صحیح باشد به بن بست کشیده نمی شود. در تربیت هم اگر از ابتدا روی مسائل زیربنایی تکیه نشود کار تربیت طفل به بن بست کشیده می شود. اگر انسان شناخته شود خیلی از مسائل حل می شود. اساس کار و برنامه ریزی تعلیم و تربیت به انسان شناسی برمی گردد. تعریف انسان کامل فقط از عهده دین برمی آید. نظریه پردازان و مکاتب بشری که انسان را به درستی نشناخته اند چگونه می توانند انسان را تعریف کرده و مسیر و مقصد او را تعیین کنند؟ تربیت دقیقا همسایه دیوار به دیوار انسان شناسی است. انسان شناسی غربی چون متغیر است، مطابق با واقع نیست و محاسبه ها هم غلط از کار در می آید(۱). اهداف، اصول و روشهای تربیت نزد مردمانی که جهان هستی را مخلوق خالقی حی و قیوم می دانند و خود را مسافر راهی که مبدا و مقصد آن با "انا لله و انا الیه راجعون" مشخص شده با کسانی که می گویند: "ان هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین" یکسان نیست. با این وصف ضروری است مقوله تربیت اوان کودکی که از مهمترین مراحل تربیت می باشد در چهارچوب رویکرد اسلامی بررسی گردد و با یک روش نظام مند علمی یک مدل عملیاتی برای آن طراحی گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رعایت مراحل تربیت و هماهنگی آن با رشد طبیعی فرد اهمیت بسزایی دارد، به گونه ای که رعایت نکردن آن، نه تنها تلاش های انجام گرفته برای تربیت را بی حاصل می سازد بلکه گاهی نتیجه معکوس به بار می آورد و فرد را به گمراهی و سقوط می کشاند همان گونه که غذای نوزاد و نوجوان متفاوت است و دادن گوشت و حبوبات به نوزاد به جای شیر مادر رشد جسمانی او را متوقف و گاه او را بیمار یا هلاک می سازد، رعایت نکردن مراحل در تربیت و تناسب نداشتن روش های تربیتی با ابعاد وجودی انسان و قوای گوناگون او به اساس تربیت لطمه می زند (۵).

اگر تربیت را به معنای پرورش دادن (رب و) در نظر آوریم، مرحله پایانی آن، هنگامی خواهد بود که فرد بتواند روی پای خود بایستد و استقلال و کفایتی یافته باشد که به مدد آن قادر به تنظیم امور خویش شود. به عبارت دیگر در مفهوم مزبور که اساسا دوره ی طفیلی بودن انسان را حیطه ی کار تربیت جلوه می دهد، مربی تا هنگامی دست به کار تربیت است که این خصیصه در مرتبه ی موجود باشد. اما اگر مراد از تربیت، ربوبی شدن (از «رب ب») و ربوبی ساختن آدمی باشد دوره ی طفولیت و طفیلیت، بیرون از متن اصلی

تربیت و به منزله ی دوره ی تمهید برای ورود در آن است. لذا در تربیت اسلامی عنوان تمهید برای این مرحله انتخاب شده است تا نشان دهنده ی آن باشد که مراد از این مرحله، آماده سازی کودک برای ورود در قلمرو اصلی تربیت است. قلمرویی که حدود آن عبارت است از شناخت خدا به عنوان رب، «انتخاب» او به عنوان رب خویش و «تن دادن» به طرح ربوبی او. از این رو جهت گیری در این مرحله، متوجه فراهم آوردن زمینه های مناسب برای سه گونه قابلیت مزبور و برجیدن زمینه ها و عوامل تهدید کننده ی آن ها است به نحوی که وقتی کودک قدم در سن تکلیف می گذارد، کفایت مطلوب در آن ها را به دست آورده باشد. نشانه ی این کفایت آن است که کودک بتواند در مرحله ی دوم تربیت وارد شود(۶). محقق نراقی مراحل تربیت را به دو مرحله پیش از تمیز و پس از تمیز تقسیم می کند و معتقد است تربیت طبیعی در رشد طفل به این صورت است که اول قوه شهویه خود را نشان می دهد. زیرا اولین استعدادی که در او بروز می کند غذاخواهی است و به تدریج قوای حسی او با توجه به نیازها و خواسته هایش تقویت می شود. در مرتبه دوم قوه غضبیه خود را بروز می دهد به این صورت که درصدد دفاع برمی آید و خود را از آزار و هلاکت ولو به کمک دیگران حفظ می کند. به تدریج در این قوه رشد می کند و میل برتری بر امثال خود و مظاهری دیگر از این قوه را بروز می دهد. در مرتبه سوم قوه تمیز ظاهر می گردد و به تدریج زیاد می شود تا کودک توانایی یادگیری را پیدا می کند (۷). مربی با آگاهی از تاثیر رعایت تربیت و برنامه ریزی صحیح و کوشش در این زمینه می تواند تعلیم و تربیت کودک را در مراحل مختلف تسهیل نماید.

حسینی و همکاران(۸)، پژوهش "بررسی تطبیقی دیدگاه مومته سوری و لوریس مالگاتسی در زمینه تربیت اوان کودکی" را با هدف مطالعه تطبیقی دو دیدگاه فوق و با رویکرد کیفی و روش تحلیل فرارونده انجام داده اند. نتایج بیانگر وجود تشابهاتی نظیر سازمان دهی تلفیقی برنامه درسی، تاکید بر رشد همه جانبه کودکان، استفاده از فعالیتهای یادگیری متعدد و توجه به تفاوت های فردی است و در باره عناصر برنامه درسی از جمله هدف، روش های تدریس، نقش معلم و روشهای سنجش تفاوت های وجود دارد.

حسینی و همکاران(۹)، در پژوهشی مشابه به "بررسی تطبیقی دیدگاه اسلام و دیوید ویکارت در زمینه تربیت اوان کودکی" با روش تحلیل فرارونده و رویکرد کیفی پرداخته اند. با رجوع به نظریات ویکارت و اسناد بالادستی جهت استخراج کدها، مفاهیمی همچون آموزش مبتنی بر رشد، یادگیری فعال، روش حل مسئله، رشد همه جانبه و ارتباط خانه و مدرسه از منظر ویکارت و برخی مقوله ها نظیر پرورش مهارت تفکر، تعامل خانه و جامعه و مراکز پیش دبستان، کودک محوری، توجه به مهارت ها و تربیت همه جانبه از آموزه های اسلامی شناسایی و معرفی شد.

قیصری و سلحشوری(۱۰)، پژوهش "اصول تربیت توحیدی در دوره کودکی(مرحله سیادت)" را باهدف بررسی و استخراج اصول تربیت توحیدی در هفت سال نخست زندگی فرد و باروش های توصیفی، تحلیلی و استنتاجی انجام داده اند که از مهم ترین یافته های آن می توان به آموزش توحید به عنوان اولین آموزش رسمی در اسلام،

هدفمند انتخاب شده‌اند. تکمیل نمونه تا رسیدن به اشباع تئوریک داده‌های گردآوری شده برای نتیجه‌گیری ادامه می‌یابد؛ زیرا توجه به موضوع مورد مطالعه در این پژوهش جنبه اکتشافی دارد نه تأییدی و هدف آن رسیدن به روایی درونی و تعمیم تحلیل است. از ابزار مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات و دیدگاه کارشناسان و متخصصین و تصمیم‌گیران و از منابع کتابخانه‌ای مانند کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها و سایر مستندات برای بررسی نظریه‌های موجود و سایر موارد استفاده شد. سوال کلی در مصاحبه عبارت است از: به نظر شما مدل تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

فرآیندهای زمینه‌یابی

ما سه نوع فرآیندهای زمینه‌یابی مستقیم را شناسایی نموده‌ایم: انطباق نظری^۲؛ اعتبارسنجی تجربی مستقیم؛ ارزیابی انسجام نظری. زمانی که ما از زمینه‌یابی صحبت می‌کنیم، منظور ما تحلیل و کنترل اعتبار نظریه‌ی در حال تکامل است. سه فرآیند زمینه‌یابی با سه نوع نیاز اعتبارسنجی زیر منطبق هستند. در مرحله انطباق نظری در این پژوهش ابتدا متونی که در ارتباط با نظریات تربیتی اندیشمندان مسلمان بود مطالعه و اطلاعات مرتبط شناسایی گردید.

اعتبارسنجی تجربی مستقیم بدین معنا است که محقق باید تمرکز اصلی را از خلق به سمت کنترل و آزمون اعتبار هدایت کند. ما ادعا می‌کنیم که در این‌جا نیازی برای بررسی روش‌مند و جامع اعتبار تجربی نظریه وجود دارد. این نیاز در رویکرد ما، با کمک این مرحله‌ی مستقیم و جداگانه عملیاتی شده است. ضمن اینکه مرحله اعتبارسنجی در رویکرد چند زمینه‌ای تعبیه شده است، به منظور افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد از دو راهبرد بررسی عضو(بازگرداندن تحلیل‌های اولیه به مشارکت‌کنندگان) - منطبق با مرحله اعتبارسنجی مستقیم تجربی در این پژوهش - برای اطمینان از اینکه مدل و تئوری به وجود آمده منطبق با نظرات شرکت‌کنندگان در مصاحبه است و تکثیرگرایی نظری- منطبق با مرحله‌ی انطباق نظری- و شرکت‌کنندگان استفاده شد. ضمن اینکه مرحله ارزیابی انسجام نظری رویکرد چندزمینه‌ای این پژوهش مرحله‌ای از اعتبارسنجی نیز شمرده می‌شود.

بازنگری توسط شرکت‌کنندگان برای تأیید داده‌ها یکی از مهمترین فعالیت‌های محقق برای پی بردن به اعتبار داده‌ها است. بدین منظور طی جلسات حضوری و در برخی موارد به صورت غیر حضوری (تلفنی) یافته‌های تحقیق و اینکه آیا طبقات و داستان بیانگر تجربیات و دیدگاهها آنان می‌باشد، با شرکت‌کنندگان مطرح شد و از آنان خواسته شد تا نظر خود را بیان نمایند. نظرات اصلاحی آنها در فرایند اعمال گردید. تکثیرگرایی نظری در این تحقیق با توجه به روش تحقیق این پژوهش در بخش انطباق نظری حاصل شد.

یافته‌ها

تصحیح تفکر خام کودکان درباره خدا، معرفی صفات خداوند به جای اثبات وجود خدا، استفاده از زبان و ادبیات متناسب با فهم کودک، تقلید و الگوگیری از والدین، پرورش گرایشاتی نظیر کنجکاوی و زیبایی‌شناسی و تربیت بر مدار محبت اشاره کرد. الماسی و همکاران(۱۱)، پژوهش "فرهنگ و آموزش اوان کودکی" را با هدف بررسی نقش فرهنگ در آموزش کودکان در دوران اولیه کودکی و با روش سنتز پژوهی انجام داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از این امر می‌باشد که آموزش‌های مقدماتی قبل از شروع آموزش رسمی توأم با تعامل خانواده و مراکز آموزشی می‌تواند بستر مناسب را برای کودکان فراهم آورد.

طلایی و بزرگ(۱۲)، در پژوهش "تبیین ضرورت تربیت اوان کودکی(پیش از دبستان) مبتنی بر سنتز پژوهی شواهد تجربی معاصر"، به تبیین چرایی و ضرورت توجه به تربیت اوان کودکی به صورت جامع و از همه ابعاد و با روش سنتز پژوهی پرداخته‌اند. یافته‌ها، ضرورت پرداختن به این مهم را از چهار منظر نشان می‌دهد: توجیه بیولوژیک، توجیه اقتصادی، توجیه آموزشی و توجیه اجتماعی.

با بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع که به نمونه‌هایی از آنها اشاره گردید روشن شد که پژوهش که مبتنی بر ویژگی‌های خاص تربیت اوان کودکی به ارائه الگو با رویکرد اسلامی پرداخته باشد یافت نشد لذا این پژوهش در صدد است با ارائه الگویی کاربردی خلا پژوهشی موجود را پر نماید..

مواد و روش‌ها

در این پژوهش به منظور تدوین مدل تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی از نظریه چند زمینه‌ای استفاده شده است؛ تدوین نظریه با استفاده از ابزار مصاحبه اکتشافی و تطبیق نظریه تدوین شده با نظریه‌ها و مدل‌های موجود مرتبط در زمینه تربیت اوان کودکی صورت پذیرفته است. اعتبارسنجی مدل به روش بررسی عضو و تکثیرگرایی نظری و مشارکت‌کنندگان انجام شده است.

نظریه چندزمینه‌ای ارا می‌توان به عنوان یک واکنش نسبت به نظریه زمینه‌ای تلقی کرد که سعی می‌کند جنبه‌های خاصی را از استقراء و قیاس را ترکیب کند. نظریه چند زمینه‌ای بین خلق نظریه و زمینه‌یابی/اعتبارسنجی تمایز قائل می‌شود.

در حالت کلی، رویکرد نظریه چند زمینه‌ای شامل سه فرآیند زمینه‌یابی^۱ می‌شود:

۱. زمینه‌یابی تجربی؛ داده‌های تجربی (ترجیحا از طریق رویکرد استقراء)
۲. زمینه‌یابی نظری؛ استفاده از نظریه‌های پیشین (نظریه‌هایی که به خوبی برای پدیده‌ی نظریه‌سازی شده انتخاب شده‌اند) و
۳. زمینه‌یابی درونی؛ ایجاد تناسب صریح در درون نظریه (میان عناصر موجود در نظریه).

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، شامل خبرگان دانشگاهی و اجرایی حوزه تعلیم و تربیت اسلامی می‌باشند که به صورت

^۲ theoretical matching

^۱ Multi-Grounded Theory

^۲ Grounding processes

رابطه مربی و متربی در آن نقش سرنوشت سازی دارد. حال از نظر سازندگی باشد یا تخریب (۱۳).

دوستان و همسالان

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار در انسان، دوست، همنشین و همبازی است. به اعتقاد خواجه طوسی، تاثیر رفتار و اوصاف و سجایای دوست و همنشین در آدمی قهری و اجتناب ناپذیر است (۱۴). از این رو آدمی نباید از این تاثیرگذاری قهری غافل شود و باید بکوشد با کسانی معاشرت و مجالست کند که از رذایل پیراسته و به فضایل آراسته اند. وی همنشین خوب را بسان عطاری می داند که دست کم می توان از بوی خوشش بهره گرفت. ابن مسکویه (۱۵) نیز مسئله تاثیرگذاری گروه های هم سن و سال بر کودکان و تقلید کردن آنان از همدیگر را مورد توجه قرار داده و می گوید:

"کودک در فراگیری و آموزش بیش از هر چیز، از کودکان و همبازیهای خود متاثر است و از آنها تقلید می کند". فیض کاشانی (۱۶) هم در این ارتباط بیان می دارد: والدین باید کودک را از همنشینی با کودکانی که به رفاه و خوش گذرانی و پوشیدن لباسهای گرانبها عادت کرده اند منع کند.

ب) راهبردهای تربیتی متناظر در اوان کودکی

اصل تربیت بر مبنای فطرت و روش همگامی با طبیعت در طفولیت و اصلاح آرزوها

به عقیده خواجه طوسی و بسیاری از اندیشمندان اسلامی، همسویی با فطرت و دین اصل مسلم تعلیم و تربیت است و همه تدابیر تربیتی باید بر پایه فطرت خداجوی انسان و دین که خواجه نام آن را سیاست الهی نهاده، پی ریزی شود. زیرا خداوند آدمی را بر این بنیاد خواسته و سرشته و پرورش و رشد و کمال او را از این راه ممکن دانسته است (۱۷). اما باید توجه داشت که همگامی با طبیعت در طفولیت باعث رشد فطرت در کودک می شود. اگر کودک از آغاز طفولیت، همگام با طبیعت رشد نکند و طبیعت او بسوزد، فطرت نمی تواند از میانه آن جوانه بزند. اینکه در روایت می فرماید فرزند در هفت سال اول زندگی سید و آقاست، یعنی کودک در هفت سال اول زندگی، همراه با طبیعت باید رشد کند. بنابراین اگر قلب بخواهد به فعلیت برسد باید از طفولیت خط تربیتی صحیحی برای فرزند در نظر گرفت (۱). در تربیت کودک باید طبیعت او، ترتیب و سیر تدریجی قوای نفس او شناخته شود و همگام و هماهنگ با مراحل رشد قوای او، تعلیم و تربیت آغاز گردد (۵).

اصلاح آرزوها شروع کار تربیتی

در جهان بینی اسلامی نظر گاه این است که آرزوی انسان، خداست. آرزو ماشین حرارتی انسان است که با آن حرکت می کند. ریشه حرکت، آرزوست و جهت حرکت هم تابع جهت آن است. انسان چون یک قلب بیشتر ندارد یک آرزو هم بیشتر نمی تواند داشته باشد "ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه" (احزاب: ۴). خدا در درون هیچ کسی دو قلب نگذاشته است. انسان یا مرید حیات دنیاست که کل اعمالش به آن برمی گردد یا مرید حیات آخرت

مرحله اول خلق نظریه در رویکرد چند زمینه ای پژوهش شامل کدگذاری استقرائی، پالایش مفهومی و کدگذاری الگو می باشد. مفاهیم حاصل از مرحله کدگذاری استقرائی و پالایش مفهومی ۴۲ می باشد که هر کدام از این مفاهیم یک یا چند کد را شامل می شود. کدگذاری محوری (در نظریه زمینه ای) با « ایجاد ساختارهای طبقه ای » در نظریه چندزمینه ای مطابقت دارد. در این مرحله دسته بندی ها به اظهارات نظری ترکیب و تبدیل می شوند. هدف مدل پارادایم اقدام محور تشریح اقدامات براساس شرایط، اقدامات/تعاملات و نتایج می باشد.

انطباق نظری یافته های پژوهش با نظریه های موجود

(الف) عوامل موثر در تربیت (شرایط)

خانواده: همانطور که در اساسنامه تربیت کودکی هم آمده است تربیت اوان کودکی ضرورت دارد که با محوریت خانواده صورت گیرد. در معارف اسلامی در باب نقش والدین در تربیت فرزند تعبیراتی دارد. برخی از روایات نقش والدین را در قبال فرزندان، مانند نقش یک کشاورز می دانند، با این تفاوت که کشاورز، هم باید زمین را شخم بزند هم در آن بذر بپاشد و هم آن را آبیاری نماید. از سوی دیگر ممکن است این همه تلاش های کشاورز به نتیجه نرسد. اما کار والدین در امر تربیت فرزند بسیار آسانتر است صفحه وجودی فرزند آماده است و هیچ سنگ و کلوخی ندارد. او سریع و عمیق اثر می پذیرد. بذر را هم خداوند متعال در وجود او کاشته است و نیازی نیست والدین این کار را هم انجام دهند. این بذر همان "عقل عملی" است که عقل عملی تشخیص دهنده آن چیزی است که از دیدگاه عقل، حسن یا قبیح است. والدین باید استعدادهای درونی فرزند خود را شکوفا کنند که ما از آن به "آبیاری زمین وجود کودک" تعبیر می کنیم (۱۳).

آیه ۶ سوره مبارکه تحریم صراحتاً به مسئولیت تربیتی خانواده اشاره دارد: "یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا" ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خود را از آتش جهنم حفظ کنید. وقتی این آیه نازل شد مردم به رسول خدا (ص) عرض کردند ما چگونه خود و خانواده هایمان را از آتش جهنم حفظ کنیم؟ پیغمبر (ص) فرمودند کارهای نیک انجام دهید و این مطلب را به خانواده های خود نیز یادآور شوید و آنها را بر بندگی خدا ادب نمائید.

چند نکته مهم را می توان از این آیه استنباط نمود لزوم تربیت عملی و تقدم فعل والدین بر قول یعنی ابتدا با رفتار و سپس "و ذکر او به اهلیکم" و تأکید بر تادیب مبتنی بر بندگی خدا یعنی فرزندان را الهی تربیت کنید. همچنین چینش جملات در این روایت لزوم و تطابق عمل با سخن را می رساند.

مربی

در معارف اسلامی بر انتخاب مربی بسیار تأکید شده است. چرا که همواره تعلم همراه با تربیت است. در روایات ما بیان شده است که معلم و استاد را بررسی کنید که آیا مودب به آداب الهی و انسانی است یا خیر؟ مخصوصاً وقتی کودک در سنین خاصی قرار دارد که

.. و زمینه تلقین های مقابل را فراهم آورد. تذکر مهم آن است که تلقین ها نباید اغراق آمیز و بسیار دور از واقع باشند. اما تلقین فعلی آن است که کودک را در معرض انجام عملی قرار دهیم تا از این طریق، حالات درونی مطلوبی در او به وجود آید. مثلاً اگر پولی را به کودک بدهیم و بگوییم آن را به فقیر بدهد، با این عمل، انگیزه و کشش کمک به دیگران در درون وی پدیدار می شود. هرگاه تلقین قولی و فعلی با هم قرین شود، تاثیر آفرینی آن مضاعف خواهد بود (۶).

اصلاح شرایط و روش های زمینه سازی و اسوه سازی تربیت اصیل، منتظر موقعیت مطلوب و محیط مناسب نمی نشیند بلکه برای هر موقعیت برنامه ای دارد و در هر محیط روش و برخورد مناسبی را در نظر می گیرد. محیط های تربیتی را می توان به شکل بسته، متضاد و متحرک تقسیم بندی کرد و برای هر محیط به روش تربیتی مناسب روی آورد. در محیط های بسته کافی است با لطافت و تدبیر به دل کودک راه باز کنی و ارزش ها و یا خصلت های مطلوب را به او تزریق نمایی. اما در محیط های باز برخورد های شخصیت ساز و سوال های دقیق و توجه های غیر مستقیم اثر بیشتر دارد. در محیط متحرک که جامعه تضادهایش را حل کرده است فکر و مذهب مسلط که در عمل تجربه شده است، پذیرفته می شود. اما تا زمانی که کودک از درون مصون سازی نشده است باید شرایط محیطی و روابط کودک با آن را اصلاح نمود. مساله این نیست که بخواهیم کودک را در محیطی بسته و مجرد قرنطینه کنیم، اما نمی توان به بهانه ی باز بودن محیط کودک، نسبت به نوع محیط هایی که او در آن قرار می گیرد بی تفاوت بود.

اگر بنا را بر حبس نگذاریم، ناگزیر کودک هم شاهد بدر رفتاری ها خواهد بود و هم مستمع دشنام ها و آن چه از اصلاح شرایط مراد می شود این است که بدون گسیختن کودک از محیط، مطلوب ترین وضع ممکن را برای او فراهم آوریم و در عین حال، بخشی از کار نیز این خواهد بود که با وجود ارتباط وی با محیط بد، اثر پذیری او را از عوامل سو کاهش دهیم (۶). یکی از روش های مرتبط با این اصل، روش زمینه سازی است. باید کودک را واکسینه کرد تا در محیط های مخالف، اثر محیط بر روی او اثر مثبت و سازندگی و مبارزه باشد، همانطور که مزاج واکسینه در برابر حمله میکروب ها مبارزه می کند و نیرومند می شود. برای واکسینه کردن سه خصوصیت را باید در کودک بارور کرد: ۱. شخصیت و استقلال ۲. حریت و آزادمنشی ۳. تفکر. هنگامی که شخصیت کودک رشد یابد در آینده تحت تاثیر هر حرف و عقیده ای قرار نمی گیرد و هر راهی او را به خود نمی کشد. حریت و آزادمنشی کودک را می سازد تا اگر روزی به اشتباهی پی برد، لجاجت نورزد و عقیده ای را ترجیح ندهد مگر هنگامی که از رجحان و امتیازی برخوردار باشد. تفکر، آن هم در زمینه حریت و با خصوصیت شخصیت و استقلال، به نتیجه های بزرگ خواهد رسید.

یکی دیگر از جنبه های مهم روش زمینه سازی در هفت سال اول، تأمین سلامت بدن کودک و مراقبت از آن است. بیماری های مختلف، به خصوص در سال های اولیه این زیر مرحله، می تواند مبدأ آسیب های جدی بدنی و در پی آن، روانی شود. مسکویه نیز

است و بنابراین باید دید آیا از اساس درست انتخاب می کند یا نه؟ (۱).

بنابراین برای تربیت افراد باید از اعماق شروع کرد. هنگامی که می خواهیم رفتار و گفتار کسی را عوض کنیم باید پیش از این مرحله، عشق ها و علاقه هایش را عوض کنیم و ناچار شناخت هایش را و ناچار فکرهاش را که ادامه تفکر، شناخت است و ادامه شناخت، عشق و ادامه عشق، عمل. در تأیید این مطلب محدث و فقیه و عارف قرن یازدهم، فیض کاشانی، توصیه هایی دارد:

" او (کودک) را به خوش گذرانی عادت ندهد و زینت و عوامل آسایش را در نظر او دوست داشتنی قرار ندهد تا چون بزرگ شود عمر خود را برای همیشه در به دست آوردن آنها هدر دهد. بلکه لازم است از همان آغاز کودکی مواظب تربیت او باشد... کوتاه سخن آنکه برای کودکان دوست داشتن طلا و نقره (مادیات) و طمع در آنها زشت است و باید از آنها بیشتر از مار و کژدم بگریزند زیرا بلای دوستی طلا و نقره و طمع در آنها بیش از بلای زهر بر کودکان بلکه بر بزرگان است (۱۷۵-۱۷۳).

بنابراین از آنجا که انسان به طور فطری خداخواه و خداجوست، برای آنکه آرزوی انسان به بیراهه نرود یکی از راه های مهم، تربیت مبتنی بر فطرت است. باید در آرزوی انسان بقا حاصل شود تا الله و رسول و دار آخرت را بخواهد که باید زمینه آن در اوان کودکی فراهم گردد.

تغییر ظاهر و روش تلقین مثبت

این اصل به طور کلی در دوره ی تمهید به عنوان یکی از مهم ترین اصول تربیتی محسوب می شود، زیرا شکل گیری شاکله و خلق های درونی، از مجرای گفتار ها و رفتارهایی که از وی سر می زند تشکیل خواهد شد. طبق این اصل، باید ظواهر کودک را به سمت گفتارها و رفتار های مطلوب سوق داد. یکی از روش های اجرای این اصل، روش تلقین به نفس است که به تلقین قولی، فعلی و قولی - فعلی تقسیم می شود. مراد از تلقین قولی آن است که به کودک بیاموزیم سخنانی را بر زبان جاری کند و از این طریق در معرض حالات مطلوب درونی قرار گیرد. در سنین مورد بحث، عموماً تلقین کودک به خود در پی تلقین دیگران به وی پدیدار می شود. مثلاً پدر درباره ی - فرزند خود (خطاب به خود او یا خطاب به دیگران در حضور او) می گوید که او - خوراکی خود را با دوستانش تقسیم می کند، یا اسباب هایش را در اختیار دوستانش می گذارد یا از تاریکی نمی ترسد، یا خواهرش (برادرش) را دوست دارد و نظیر این ها. هر چند، گاهی کودکان ابتدا در برابر جنین جملاتی مقاومت و انکار نشان می دهند، اما مشاهده می شود که پس از چند بار گفتن این جملات کودک، خود عیناً همان جمله را درباره ی خویش به کار می برد و کم و بیش آن را در عمل آشکار می سازد. براین اساس، هر گاه خواستار رفتار مطلوبی در کودک بودیم، باید به او بیاموزیم سخنانی به تناسب آن رفتار به زبان براند. همچنین باید به تلقین های منفی کودک مهار زد(عباراتی چون «من بچه بدی هستم» « من از تاریکی میترسم» « من خواهرم یا برادرم را دوست ندارم و

بر پاس داشتن احساس عزت کودک و ممانعت از بروز ضعف و کاستی و حقارت وی تاکید شده است. برای نمونه، روایت زیر را نقل می‌کنیم:

کودک را به نامی نیکو نام گذاری کنید و هنگامی که به مجلس شما می‌آید. برای او جا باز کنید و به او روی ترش نکنید. بنابراین باید برای کودک احترام قائل شد و از بزرگی و استعدادها و عظمت های او شرح داد، آن هم نه به گونه ای که مغرور شود بلکه به صورتی که بداند مسئول است. بازگویی استعدادها و توانایی ها می تواند کودک را حرکت دهد.

از آموزه های فیض کاشانی در باب تغافل هم آمده است: "اگر کودک یک بار خلاف انجام داد باید نادیده گرفته شود و پرده اش دریده نشود و خلافتش افشا نگردد به ویژه هرگاه کودک سعی در پنهان ساختن گناه خود داشته باشد زیرا گناه اظهار آن گناه برجسارت او می افزاید. اگر دوباره کار ناشیست کرد والدین در نهان او را سرزنش کنند و خلاف او را بزرگ بشمارند و به او گفته شود بپرهیز از اینکه کسی از این خلاف تو آگاه شود و در میان مردم رسوا گردی و هر لحظه او را سرزنش نباید کرد چرا که این عمل، شنیدن نکوهش و انجام کار بد را بر او آسان و ارزش سخن را در دل او کم می کند".

تذکر و روش تحصیل محبت پروردگار و عبرت آموزی نسیان در کودکی فراوان تر از هر وقت دیگری رخ می کند و لذا تذکر و یادآوری مکرر درخواستها به کودک ضرورت می یابد. اگر کودک بارها آنچه را گفته شده است فراموش کند نباید بی طاقت شد زیرا مریبی در یک نگاه، تنها «مذکر» است و تذکر کار اصلی او است: فذکر انما انت مذکر

این اصل به هر دو صورت «یادآوری نعمت ها» و «عبرت آموزی» باید به کار گرفته شود (۶). قرآن کریم هم تذکراهایی می دهد، از سرمایه های عظیم انسان، از وسعت هستی، از عظمت الله و رحمت او و... هر یک از این موارد را می توان متناسب با سطح رشد کودک متذکر گردید.

این گونه یادآوری نعمتها و شناساندن سرمایه ها باعث تحصیل محبت پروردگار می شود و متربی را به عشق برتری می رساند که پیشتر در اصلاح آرزوها بیان گردید. نراقی در جامع السعادات راه تحصیل محبت پروردگار را از چند طریق ممکن می داند: ۱. چون انسان فطرتا خودش را دوست دارد، شناخت خود و محبت به خویش، شناخت و محبت خدا را در پی دارد. وی شناخت نفس را راه عرفان رب دانسته و محبت نفس را راهی برای محبت پروردگار می داند. آگاه کردن کودک از محبت خدا نسبت به بنده اش این عشق و محبت را محکم تر می سازد. ۲. متربی خدا را در آثار و نعمتهایش ببیند و متوجه شود همه داراییها و لذتهای وی از اوست. ۳. مریبی جمال و زیباییهای پروردگار را به متربی بشناساند تا محبت خدا در دلش رشد یابد. ۴. مریبی زمینه حضور متربیان در اجتماعات عبادی و معنوی را فراهم کند. باید توجه داشت که عشق به رسول (ص) و اهل بیت پاکش نیز در طول محبت پروردگار قابل تحصیل است. این ها مواردی است که باید باظرافت و توجه به ویژگیهای

ورزش و تربیت بدنی را روش مطلوب در پرورش جسمانی و همچنین در پرورش و شکوفایی اعتقادات می داند:

پس وی به صورت مستمر به ورزشهای بدنی عادت داده شود که ورزش سبب نشاط طبیعی بدن شده، سلامت را حفظ کرده، کسالت را می زداید (۱۵). ابن سینا هم که دانای به طب بوده است، موضوعات تربیتی را جدای از تربیت جسمانی کودک نمی داند و در مرحله پیش دبستانی سخن از تربیت را از دوران جنینی آغاز می کند و به ترتیب از نگهداری نوزاد هنگام تولد، آداب شیر دادن و تغذیه نوزاد و انتخاب دایه و بیماریهای کودکان و به طور کلی پرورش جسمی خردسالان بحث می کند (۱۸).

عدم کفایت خواب، خوراک و بهداشت کودک، همه به مقتضای این روش باید مورد توجه و جبران قرار گیرد.

همچنین از جهت موقعیت مکانی، قرار دادن کودک در محیط های وسیع و روبه رو ساختن او با ابزار، اشیا، گیاهان و حیوانات مختلف، آثار عاطفی برجسته ای به بار می آورد.

روش الگویی نیز بسیار مورد توجه اندیشمندان بزرگ تعلیم و تربیت و اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است از جمله مولوی، شیخ اشراق، سعدی، علامه مجلسی و... سعدی الگوهای مطلوب را ضمن بیان حکایات، مداخل و ستایشها نشان داده و سجایای آنان را ترسیم کرده و عملا الگوسازی را عینیت بخشیده است و از رسول خدا (ص) و اولیای عظام نام می برد. علامه مجلسی نیز با استفاده از آیات قرآن و روایات بر این شیوه کاربردی تاکید می کند. زیرا شخصیت کودکان در سالهای نخست زندگی برپایه و اساس الگوگیری از والدین، مربیان و همسالان ساخته و پرداخته می شود. بنابراین اسوه های مطلوب را باید در معرض دید کودک قرار داد و اسوه های نامطلوب را اگر نتوان حذف کرد مورد توضیح و تبیین قرار داد.

زیبایی شناسی و روش های آراستگی ظاهر و آراستن کلام: جاذبه ی حسن در هفت سال اول نقش آفرینی می کند، اما کودک ابتدا زیبایی های محسوس را درک می کند لذا باید اصل آراستگی بر روابط میان والدین و مریبان با کودک سایه افکند و آنان بدون سوق دادن کودک به تجمل گرایی، ذوق زیبایی را در وی برپا کنند و بگسترند و میل به آراسته بودن را در او شکل دهند و هدایت کنند. او در عین حال باید بیاید که آراستگی و سادگی، رفیق طریق هم اند و چنین نیست که آراستگی تنها با هوس بازی و تازه طلبی فراهم آید. به علاوه باید کودک را هر چه بیشتر با زیبایی های طبیعت رو به رو ساخت تا ذائقه ی زیبایی در وی حساس تر و تیزتر شود.

روش آراستن کلام نیز قابل استفاده است و آن عمدتاً عبارت است از جاذبه ی سخن آهنگین که در شعر و سرود جلوه می کند. محتواهای مطلوب را در چنین قالبی می توان به کودک عرضه کرد (۶).

عزت و روش های ابراز توانایی و تغافل

باید احساس عزت را در کودک گسترش داد و او را از احساس ذلت محافظت کرد. از این حیث، هم روش ابراز توانایی و هم تغافل، هردو باید با هم به کار گرفته شوند. در توصیه ها و روایات، مکرراً

اهمیت تربیتی بازی، بسیار چشمگیر و بی نظیر است. تاثیرات عمده ای را که بازی از حیث تربیتی به جای می گذارد می توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- بازی زمینه ی نضج فیزیکی و کنترل بدنی کودک را فراهم می آورد.

۲- بازی در تکوین ساختمان شخصیت کودک، نقش اساسی دارد. هم گسترش یافتن بخش هشیار ذهن در اثر ارتباط با اشیا و محیط و هم تخلیه هیجان ها و تعادل یابی، هردو از دستاوردهای بازی است.

۳- بازی در نحوه تعامل اجتماعی کودک، قدرت شگرف دارد و پیشرفت زبان و روابط اجتماعی کودک در گرو آن است.

۴- بازی به سبب آن که فعالیت ارادی و شوق انگیز است. در شکوفایی خلاقیت تاثیر تعیین کننده ای دارد. این ویژگی به خصوص در بازی های آزاد و برنامه ریزی نشده نمایان تر است.

علاوه بر واداشتن کودک برای آن که با بچه های دیگر بازی کند توصیه هایی نیز وجود دارد که بازی والدین با فرزند را مورد توجه قرار می دهد و در کتاب های روایی استحباب بازی با فرزند بیان شده است. کودک در بازی با والدین احساس حرمت و عزت ویژه ای می کند.

باید توجه داشت بازی در جریان رشد کودکان شکل ثابتی ندارد و همراه با ویژگیهای رشد کودکان تغییر می یابد. در نخستین سال زندگی، کودکان بیشتر به بازیهای حسی مشغول هستند و در سال دوم زندگی قادرند اشیا را در بازیهای نمادین به کار گیرند. کاوش حسی برای کودک دو ساله مهم است. کودکان در ۳ سالگی از تخیل برخوردار می شوند. لذا بازی ها در سه سالگی بیشتر بر فعالیتهای تخیلی تمرکز دارد. همچنین کودکان در این سن به همانندسازی با بزرگسالان رو می آورند و بازیهای نمایشی انجام میدهند. در چهار سالگی به این نوع بازیها ادامه می دهند اما با تاکید بیشتر بر جنسیت. نشانه های تفکر منطقی در پنج سالگی اتفاق می افتد. از این رو در بازی با همسالان به تقسیم کار، بازی نوبتی و همکاری تمایل بیشتری نشان می دهند و دوست دارند مسئولیت بپذیرند (۱۹). مری آگاه، با بهره مندی از این ویژگیها اهداف تربیتی را در قالب بازی محقق می سازد.

داستان

بدون شک، راه آگاهی دادن به کودک نمی تواند از طریق ارائه استدلال های سنگین و توصیه های خشک اخلاقی باشد، بلکه باید به کمک داستان ها باشد آن هم به صورت غیر مستقیم. گفتگوهای مستقیم، کودک را خسته می کند اما از داستان ها به خوبی می توان بهره گرفت. البته داستان های سطحی و شعاری که سعی دارد حالات و تحریکات را با شعار به خواننده و شنونده منتقل کند به این ترتیب که کودک از جریان برکنار است و فقط نتیجه ها و برداشتهای نویسنده را می شنود و در حالی که هنوز آمادگی ندارد دعوت می شود تا مثل قهرمان داستان عمل کند، چندان اثربخش نیستند. داستان باید زیبایی هنری داشته باشد. هنر با ناخود آگاه و با تخیل انسان کار دارد. باید کاری کرد که کودک با طرح سوال های حساب شده،

متربی حاصل گردد. در سنین مورد بحث که عمده ادراکات با حواس ظاهری است، ابتدا باید از طریق محسوسات کار را آغاز نمود.

بخصوص قصه گویی، از گسترده ترین روش های قابل استفاده است و به تناسب صفات و خصوصیات که مورد نظر است، باید از قصه ها بهره جست. در این باب، هم قصه های قرآن و قصه های تاریخی و هم قصه های خیالی، مورد توجه اند. ولی در آن ها، مسأله، عبرت آموزی باید محل عنایت قرار گیرد که در بحث از شیوه ها به آن پرداخته خواهد شد.

محبت و روش بیان مهر و قهر

خواجه نصیرالدین طوسی محبت و مهرورزی را از ویژگیهای ذاتی انسان می داند و می گوید: واژه انسان از انس گرفته شده و چون خصیصه ذاتی انسان و کمال او به حساب می آید و کمال هر چیزی به این است که خاصیت خود را ظاهر سازد، بنابراین آدمی باید محبت بپذیرد و مهر بورزد. خواجه محبت را عامل اتحاد طبیعی دانسته و معتقد است اگر محبت بر خانه و مراکز آموزشی حاکم باشد بسیاری از تباهیها، نابسامانیها و مشکلات حل خواهد شد.

در اینجا تشویق و تنبیه، ذیل اصل محبت بیان می شود چرا که هردو نشئت گرفته از محبت والدین و مری نسبت به متربی است و کودک نیز باید این نکته را دریابد. بنابراین اصل محبت در شکل ابراز و منع، در هفت سال اول بسیار مورد تاکید است و روش های مترتب بر آن همواره توصیه شده است، به نحوی که قهر به عنوان مهم ترین روش تنبیهی در کودکی شمرده شده و استفاده از آن به جای تنبیه بدنی سفارش شده است؛ چنان که امام علی (ع) به یکی از اصحاب فرمود که در مقام تنبیه فرزندش از او قهر کند و زمان آن را نیز کوتاه در نظر بگیرد: «لا تضر به و اهجره ولا تطل».

همچنین بیان مهر و آشکار ساختن محبت نیز مورد تاکید است:

هر کس فرزند خود را ببوسد، خداوند آن را به عنوان عملی نیک برای او خواهد نوشت و هر کس فرزند خود را شاد کند، خداوند او را در روز محاسبه و رستخیز مسرور خواهد داشت.

همچنین در نظر گرفتن پاداش نیکو با روشهای سنجیده نیز مورد تاکید خواجه نصیر الدین و سایر اندیشمندان است چنانچه فیض می گوید: "پس آنگاه که اخلاق نیک و کار ستوده از کودک بروز کرد لازم است که احترام شود و پاداشی خوشنودکننده دریافت دارد و در میان مردم ستوده شود".

ج) تعاملات

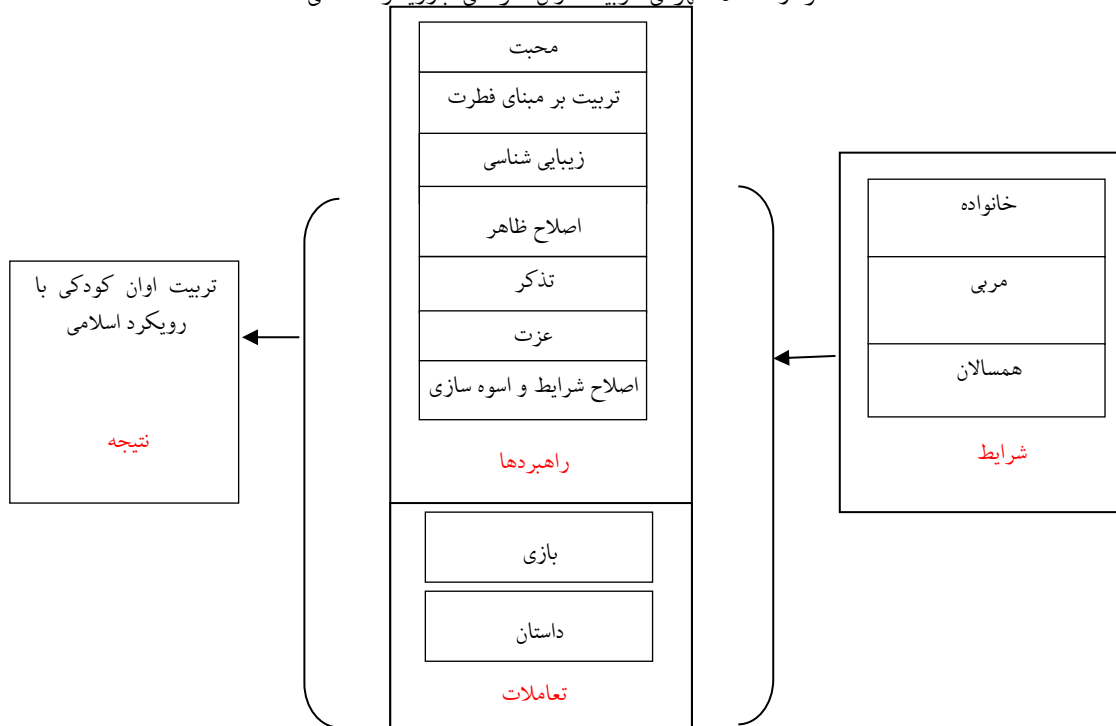
با توجه به مقتضیات خاص اوان کودکی و در نظر گرفتن روایات مرتبط با این سنین که هفت سال نخست زندگی را دوره سیادت می داند، می توان دریافت ویژگی اساسی هفت سال اولیه زندگی، از حیث تربیتی، رها گذاشتن کودک است که حاصل آن، بازی است؛ چنان که در کافی آمده است که «فرزندت را واگذار تا به مدت هفت سال بازی کند (دع اینک یلعب سبع سنین). بنابراین کلیه برنامه های تربیتی مد نظر باید در قالب بازی و داستانهای سرگرم کننده و مهیج و به صورت تفریحات خوشایند کودک عرضه گردد.

بازی

بدون ایجاد ترس و ناراحتی به گسترش تجارب کودکان کمک می کند و ابزاری برای دلخوشی و تغذیه خیال آنان فراهم می کند (۲۱). یکی از روشهای تربیتی قرآن کریم بیان داستان و قصص گوناگون است. داستان های قرآنی با ویژگیهای خاص خود، در حکایت سرگذشت پیشینیان، دربردارنده پند و عبرت هستند و از جمله نتایج مهم داستان های قرآن تحریک و برانگیختن تفکر است: این داستان ها را بگو شاید تفکر نمایند (اعراف، ۱۷۶). بنابراین در قصه گویی به کودکان باید این دو نتیجه مهم را در نظر داشت: برانگیختن تفکر و عبرت آموزی.

حقیقت را بیابد و زیبایی ها را ببیند و خود به استدلال ها برسد و حرکت کند (۱). داستان همیشه و در همه جا یکی از ابزارهای مهم برای تحریک و تقویت فکر کردن بوده و هست. همچنین داستان ها سه مهارت مهم حافظه، عاطفه و تخیل را در کودکان تقویت می کنند. داستان ها دارای نیروی عاطفی قوی هستند که با روحیه کودکان سازگار است و در آنان نسبت به انجام امور اخلاقی تعهد ایجاد می کند. داستان ها چالش برانگیزند، چرا که معمولاً دوگانه های متضادی چون خیر و شر، درست و غلط و عناصری اینچنین در آن ها به کار رفته است (۲۰). در بعد روانی داستان به کودک فرصت می دهد تا امیال و ناخودآگاه خود را بررسی کند و به شناخت دست یابد. داستان

نمودار ۱. مدل مفهومی تربیت اوان کودکی بارویکرد اسلامی



شکل ۱: مدل پژوهش مبتنی بر کدگذاری الگو

در طفولیت است. اینکه کودک در روایت شریف، سید و آقا معرفی می شود به معنای همراهی با طبیعت در جریان رشد اوست. علاوه بر آن جهت بارور شدن فطرت کودک و جلوگیری از زنگار بستن آن باید مراقبت نمود مبدا میل کودک و آرزوی او به بیراهه نرود. همچنین برای ایجاد شاکله صحیح در کودک باید ظاهر را به سمت گفتارها و رفتارهای مطلوب سوق داد و راه آن نیز استفاده از انواع تلقینهای مثبت و سازنده و پرهیز از تلقین منفی است. تربیت اصیل برای هر موقعیتی، روشی دارد. بنابراین حتی در موقعیت نامطلوب اصلاح شرایط را اصل می داند و با روشهای زمینه سازی و اسوه سازی کودک را به سمت آرمانهای تربیتی والا هدایت می کند. با بارور کردن سه خصوصیت شخصیت و استقلال، حریت و آزاد منشی و تفکر کودک در برابر خطرات واکسینه می شود. توجه ویژه به سلامت جسم و روان کودک از طریق پرداختن به ورزش و تحرک در زندگی، زمینه ساز تحولات مثبت خواهد بود. از سوی دیگر گسترش احساس عزت در کودک نیز در این راستا قرار می گیرد و

نتیجه گیری

در جریان تربیت اسلامی، تناسب روشهای تربیتی با اقتضانات و مراحل رشد مرتبی بسیار حائز اهمیت است. به عبارت دیگر تربیت باید با تحولات درونی انسان هماهنگ باشد تا به نتایج مطلوب برسد. در تربیت اسلامی هدف، شکوفا شدن انسانیت فرد جهت تسلط بر نفس خویش است؛ باید آنچه انسان را خودآگاه می کند اصول کار باشد. بنابراین استقلال فکری فرد مورد تربیت، مایه اصلی تربیت است. در اوان کودکی که به منزله تمهید و آمادگی جهت ورود به مراحل بعدی تربیت و از حساس ترین و تاثیر گذارترین دوران است، باید کودک را جهت طی مراحل آماده نمود. در این مرحله خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی، بیشترین نقش آفرینی را خواهد داشت.

مربی و دوستان و همسالان نیز از دیگر عوامل تربیت محسوب می شوند و کودک به سبب عامل تقلید از آن ها تاثیر می پذیرد. تربیت باید همسو با فطرت خداجویی باشد که شرط آن همگامی با طبیعت

*به پژوهشگران هم پیشنهاد می شود راهکارهای تربیتی را به تفکیک دوره اول و دوره دوم اوان کودکی متناسب با ویژگیهای رشد کودک استخراج و ارائه نمایند.

References

1. Haeri Shirazi, Ayatollah Mohi al-Dini (2019), Religious education of children, Qom; Education publishing office
2. Blessed, Venus. Liaqat Dar, Mohammad Javad, Sadeghian, Zahra (2013), assessment of the needs of preschool curriculum under the supervision of education and training from the point of view of principals and mayors of Isfahan city, Research in Curriculum Planning, Volume 9, No. 35, 132-145
3. Mofidi, Farkhandeh (2016), examining the attitude of parents, teachers and students regarding the necessity of pre-primary education, Education and Tarbiat Quarterly, No. 52, 247.
4. Sajjadih, Narges Sadat, Azad Menesh, Saeed (2013), examining the detailed objectives of preschool activities in the national curriculum of the Islamic Republic of Iran from the perspective of the Islamic approach to practice, Theory and Practice Quarterly in Curriculum (27, 6)
5. Beheshti, Mohammad Abujafari, Mehdi Faqih, Ali Naghi (2013), Opinions of Muslim Scholars on Education and its Basics, Volume II, Tehran: Semit
6. Bagheri, Khosrow (2015), a new look at Islamic education, Tehran: Madrasa Publications
7. Naraghi, Ahmed bin Mohammad Mohammadi, (2010), Jame al-Saadat, Vol. 2, translated by Karim Faizi, Tehran: Qaim Al Mohammad publishing.
8. Hosseini, Shahla. Heydari, Mohammad Hossein. Saadatmand, Zohra (2018), a comparative study of Islam and David Wickart's views on childhood education, Educational Management Research Quarterly, Year 11, Volume 2
9. Hosseini, Shahla. Haydari, Mohammad Hossein. Saadatmand, Zohra (2018), a comparative study of

محافظت از احساس ذلت که از دو طریق ابراز توانایی و تغافل میسر خواهد شد. تحصیل محبت پروردگار نیز با در نظر گرفتن اصل تذکر و یاد آوری نعمتها در دستور کار مربی قرار می گیرد. تقویت حس زیبایی شناسی و سوق دادن کودک به سمت درک زیباییهای محسوس و استفاده از شعر و سرود جهت انتقال محتوای مطلوب نیز کارکرد ویژه خود را در این دوران خواهد داشت. بی تردید تربیت با محبت عجین است و به عنوان اصل اساسی بر همه اصول سایه افکن است و ذیل آن تشویق و تنبیه به فراخور موقعیت، قابل استفاده است. اما با توجه به ویژگی سیادت کودک در مرحله نخست تربیت، لحاظ کردن اصول و به کارگیری راهبردها باید در قالب بازی و داستان های مهیج و غیر شعاری (تعاملات) و به صورت غیر مستقیم به کودک عرضه گردد و مربی آگاه متناسب با موقعیت تربیتی و در نظر گرفتن تفاوت های فردی متربیان روش ها را به اقتضای موقعیت برمی گزیند.

در پژوهشهایی که در حوزه تربیت اوان کودکی انجام شده، بیشتر به ابعادی به طور کلی پرداخته شده و این پژوهش در مورد تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی از دیدگاهی جامع به طراحی مدل می پردازد و به زمینه یابی چندگانه تجربی و نظری موقله های تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی می پردازد. استفاده از رویکرد چند زمینه ای در این پژوهش، موجب عمق بخشی به مطالعات حوزه تربیت اوان کودکی، همچنین ارائه پیشنهاد های کاربردی در این حوزه شده است. با توجه به رویکرد پژوهشی چند زمینه ای، در زمینه اعتبارسنجی و انطباق نظری، کار پژوهش در بعضی از مقولات حاصل از مصاحبه با محدودیت روبرو بود. محدودیت اجرایی، مربوط به جامعه آماری پژوهش می شود. از آنجایی که برای تدوین مدل تربیت اوان کودکی با رویکرد اسلامی باید به سراغ صاحب نظران حوزه تربیتی که تبحری در رویکردهای تربیتی اسلام داشته باشند، می رفتیم، این امر کار پژوهش را با محدودیت روبرو می کرد.

*با توجه به نقش محوری خانواده در تربیت اوان کودکی، پیشنهاد می شود برنامه آموزش خانواده با هدف توانمند سازی خانواده ها و ایجاد همسویی خانه و محیط های تربیتی از موارد لاینفک برنامه ریزی این حوزه باشد.

*با توجه به ضرورت پرورش مهارت تفکر، برنامه فلسفه برای کودکان با رویکرد اسلامی در فعالیتهای تربیتی لحاظ شود.

*از آنجا که کلیه فعالیتهای تربیتی اوان کودکی باید به شیوه بازی و داستان و قصه های سرگرم کننده عرضه شود، به کلیه دست اندرکاران حوزه کودک پیشنهاد می شود اقدام به طراحی بازی ها و قصه هایی نمایند که عزت نفس و شخصیت و حریت را به طرق مختلف از جمله الگوسازی، ارتقا بخشد.

*فعالتهای ورزشی و تربیت بدنی بخش مهمی را در برنامه های تربیتی به خود اختصاص دهد.

*با توجه به نقش بی بدیل مربی، تربیت مربی پیش از دبستان (اوان کودکی)، مبتنی بر صلاحیتهای مدنظر در نگرش اسلامی، در اولویت برنامه ها قرار گیرد.

19. Hughes, Fergas P. (2004), *Game Psychology*, translated by Kamran Ganji, Tehran: Rushd
20. Sattari, Ali (2017), *teaching thinking to children and teenagers*, Tehran: Samt
21. Shaarinejad, Ali Akbar (1374), *children's literature*, Tehran: information.
- Montessori's and Loris Malagasy's views on childhood education.
10. Kaysari Gudarzi, Kiyomarth and Selahshuri, Ahmed (2017), *The Principles of Monotheistic Education in Early Childhood (Siyadt Stage)*, *Research in Islamic Education and Training*, Volume 26, Vol. 5, 40, 37
11. Almasi, Leila. Hosseinikhah, Ali and Ali Asgari, Majdi (2015), *Culture and Childhood Education*, 14th Annual Conference of the Iranian Curriculum Studies Association "Culture and Curriculum"
12. Talai, Ebrahim. Bozor, Hamida (2014), explaining the necessity of early childhood education (preschool), based on the research synthesis of contemporary empirical evidence, *Education and Training Quarterly*, Volume 31, Number 122
13. Tehrani, Ayatollah Mojtabi (1398), *Divine Literature (Tar Bayt Farzand)*, Tehran: Masabih Al-Hadi.
14. Toosi, Khwajah Nasiruddin (2017), *Ehlakh Naseri*, 7th edition, revised and edited by Mojtaba Minavi, Tehran: Khwarazmi.
15. Ibn Moskawieh, Ahmad bin Muhammad (1394), *Tahdhib al-Akhlaq* (1st edition), translated by Salahuddin Seljuqi, Tehran: Irfan Institute Publishing
16. Faiz Kashani, Mulla Mohsen (2007), *Rah Roshan* (5th volume), translated by Abdul Ali Sahibi, Mashhad: Islamic Research Foundation.
17. Toosi, Khwaja Nasiruddin (1377), *Mohtashmi's ethics*, corrected by Mohammad Taghi Danesh Pajoh, Tehran: University of Tehran.
18. Ahmad Puri, Yunus. Ahmad Puri, Seyyed Maitham (2016), *stages of education in Islam from the point of view of In Sina*, the second international conference of psychology, educational and behavioral sciences: Tehran